

Analysis of the consequences of the long-term crisis of the global capitalist system and its structural orientation (1970-2020): an Iranian approach

Amir Masud Shahramnia*

Received: 2022/10/01

Abolfazl Anaei**


Accepted: 2023/08/06

The typology of capitalist crises in the long-term history of the modern world-system shows that these crises have been reproduced in various subjective and objective dimensions. Of course capitalist crises have different forms, which can reveal its structural tendencies and the effects of the crisis in its political, social and economic dimensions in the construction of the world-system. From this point of view, the problematic analysis of the capitalist crisis in the late long-term period goes back to its complex systemic dimensions. The central question in the current research is: How did the long-term crisis of the late world-system develop and what is its future systemic trend? The late crisis has developed in a network process of economic construction and has created a systemic flux in the whole world-system and the effects of the crisis in the natural system of the planet Earth. The findings of the current research show that the world-economy is in a long-term contraction cycle. From the political point of view, the structural legitimacy of capitalism has been eroded and global geoculture is in crisis with the decline of the dominance of liberalism. On the other hand, the possibility of realizing the fourth hegemonic cycle is the variable of accelerating the crisis. The effort of the current research will be aimed at analyzing the essence of the late crisis of capitalism and its structural tendency based on the method of world-systems analysis and epistemology of complexity.

Keywords: Capitalism, Complexity theory, Crisis, Global ecosystem, Global geopolitics. World system structure, Global system, long-term crisis.


* Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Administrative and Economic Sciences, University of Isfahan, Isfahan, I.R.Iran (Corresponding author).

m.shahramnia@ase.ui.ac.ir

 0000-0001-8333-0256

** PhD in Political Science from Political Science Department, Faculty of Administrative and Economic Sciences, University of Isfahan, Isfahan, I.R.Iran.

a.anaei@ase.ui.ac.ir

 0000-0002-9079-2798

تحلیل پیامدهای بحران بلندمدت نظام جهانی سرمایه‌داری و گرایش ساختاری آن (۲۰۲۰-۱۹۷۰)؛ رویکردی ایرانی^۱

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

مقاله برای بازنگری به مدت ۳۴ روز نزد نویسندگان بوده است.

امیرمسعود شهرام‌نیا*

ابوالفضل آثانی**


چکیده

گونه‌شناسی بحران‌های سرمایه‌داری در دوره بلندمدت تاریخ نظام جهانی نوین نشان می‌دهد که این بحران‌ها در ابعاد گوناگون ذهنی و عینی بازتولید شده است. این بحران‌ها در ساخت پیچیده سرمایه‌داری در سطوح ماهیت، کارکردها، بازتولید بقا و مسیرهای احتمالی انشعاب آینده سرمایه‌داری اثرگذاری تعیین‌کننده دارد. واکاوی بحران سرمایه‌داری در دوره بلندمدت متأخر به ابعاد پیچیده سیستمی آن بازمی‌گردد. سؤال محوری در پژوهش حاضر چنین است: مهم‌ترین پیامدهای بحران بلندمدت نظام جهانی سرمایه‌داری برای کشورهایی مانند ایران، چیست؟ یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد اقتصاد جهانی در دوره بلندمدت انقباضی قرار دارد. از حیث سیاسی مشروعیت ساختاری سرمایه‌داری تحلیل رفته و جغرافیای فرهنگی جهانی با افول سلطه لیبرالیسم در بحران گذار قرار دارد. از سوی دیگر احتمال تحقق‌پذیری دوره چهارم هژمونیک متغییر تسریع بحران است. پژوهش حاضر «نظریه مبنا» بوده و جهت تحلیل از نظریه نظام‌های پیچیده جهانی بهره برده است.

واژگان کلیدی: اکوسیستم جهانی، بحران، جغرافیای فرهنگی جهانی، ژئوپلیتیک جهانی، ساختار نظام بین‌الملل، سرمایه‌داری، نظام جهانی، نظریه پیچیدگی.


* دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

m.shahramnia@ase.ui.ac.ir

 0000-0001-8333-0256

** دانش‌آموخته دکتری گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران.

a.anaei@ase.ui.ac.ir

 0000-0002-9079-2798

مقدمه

بیان مسئله: واکاوی بردار تاریخی چهار سده موجودیت سرمایه‌داری نشان می‌دهد که بحران‌های نظام جهانی در چرخه‌های کوتاه‌مدت و یا بلندمدت آثار پیچیده‌ای در ماهیت، کارکردها و روندهای ساختاری نظام تاریخی ایجاد کرده است؛ برای مثال بحران‌ها در بازساخت نظام سرمایه‌داری در دو مقیاس خرد و کلان مؤثر بوده‌اند، چنان‌که محور اصلی در عینیت‌بخشی به تضادها و تناقض‌های ساختی نظام بین‌الملل هم به‌شمار می‌آیند (Harman, 2009, pp. 325-327)؛ بنابراین شناخت و تحلیل گونه‌های مختلف بحران‌های نظام سرمایه‌داری برای همه بازیگران اصلی در نظام بین‌الملل - و از آن‌جمله جمهوری اسلامی ایران - مسئله‌ای راهبردی ارزیابی می‌شود که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده است.

اهمیت: پژوهش حاضر برای حوزه کارشناسی و عمل سیاسی دارای اهمیت راهبردی است؛ چراکه فهم ماهیت سیستمی بحران در همه اجزاء و ابعاد ساختی نظام جهانی در دوره بلندمدت، ریشه بسیاری از اختلال‌های ذهنی و عینی نظام جهانی مستقر را متعین می‌نماید و چشم‌انداز واقع‌بینانه از فرایند استحاله‌های چرخه‌ای یا ساختاری احتمالی و سازوکارهای مهار بحران را نشان می‌دهد.

ضرورت: با توجه به جایگاه و تأثیرهای نظام جهانی سرمایه‌داری، عدم شناخت دقیق و به‌روز علل پیچیده این بحران‌ها از یک سو گرایش‌های احتمالی ساختاری نظام جهانی و نیروهای تأثیرگذار در روندهای چرخه‌ای یا استحاله سیستمی را در هاله‌ای از ابهام فرومی‌برد؛ و از سوی دیگر ترسیم بدیل‌های احتمالی را در شرایط پیچیده بحران برای بازیگران دولتی، غیردولتی و نهادهای بین‌المللی ناممکن می‌نماید. در هر دو حالت دولت‌ها از درک روندهای بین‌المللی عاجز شده و دچار ضعف در تصمیم‌گیری می‌شوند. با این توصیف پژوهش حاضر دارای ضرورت کاربردی برای کارشناسان و تصمیم‌گیرندگان در حوزه اجرایی می‌باشد.

اهداف: تقویت رویکرد آینده‌نگرانه در سیاست بین‌الملل کشور از طریق شناخت ماهیت پیچیده و پیشرونده بحران سرمایه‌داری متأخر در دوره بلندمدت ۲۰۲۰-۱۹۷۰، هدف اصلی این پژوهش را شکل می‌دهد. از آنجایی‌که بحران مذکور در یک ساخت

پیچیده سیستمی بازتولید شده و همه اجزاء ذهنی و عینی سرمایه‌داری را در ساخت سیاسی، ساخت اقتصادی و روابط ژئوپلیتیکی و اکوسیستم زمین درگیر نموده و این روابط بحرانی به صورت چندسویه و متقابل بازتولید می‌شود، تجزیه و تحلیل منفرد هر یک از بحران مذکور و همچنین تحلیل شبکه روابط بین آنها، دو هدف فرعی پژوهش را تشکیل می‌دهد.

سؤال‌ها و فرضیه: پژوهش حاضر فرضیه‌آزما نبوده و بر نظام سؤال‌ها استوار است. پرسش اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: پیامدهای بحران بلندمدت نظام جهانی سرمایه‌داری متأخر (۲۰۲۰-۱۹۷۰) برای کشورهای همانند ایران، چیست؟ در این راستا سؤال‌های فرعی ذیل طرح شده است: مؤلفه‌های بحران سرمایه‌داری جهانی کدامند؟ ابعاد اصلی بحران سرمایه‌داری جهانی کدامند؟

روش: بر اساس موضوع مقاله و ماهیت بحث، پژوهش حاضر در سنخ پژوهش‌های توسعه‌ای جای می‌گیرد و از حیث رویکرد محققان، پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و برای تحلیل آنها از روش «نظریه مبنا» (نظریه سیستم پیچیده جهانی که ترکیبی از مباحث سیستمی تحلیل نظام‌های جهانی، معرفت‌شناسی پیچیدگی و اصول عدم قطعیت در انشعاب‌های سیستمی است) استفاده شده است.

۱. پیشینه پژوهش

سوابق پژوهش‌ها در بحران‌شناسی سرمایه‌داری از سده نوزدهم توسعه پیدا کرده است تا جایی که پیشینه پژوهش به مقاله حاضر در دوره «بحران سرمایه‌داری متأخر ۲۰۲۰-۱۹۷۰» مربوط می‌شود می‌توان به دو گروه ذیل اشاره کرد:

۱-۱. پیشینه موضوع در نشریه علمی دانش سیاسی

در نشریه علمی دانش سیاسی موضوع حاضر به صورت محدود در مقاله آنائی، شهرام‌نیا، امام جمعه‌زاده و مسعودنیا (۱۴۰۱) واکاوی شده است. نویسندگان در مقاله مذکور دگرذیسی دوره‌های هژمونیک را در بستر بحران بلندمدت سرمایه‌داری تحلیل کرده، اما از ورود به ماهیت بحران سرمایه‌داری متأخر امتناع کرده‌اند. همچنین عابدی؛

شفیعی و دهشیری (۱۴۰۰) از منظر موضوعی مسئله بحران‌های بین‌المللی را با تأکید بر یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و نقش منفرد آن در ایجاد بحران جهانی بررسی کرده‌اند. درمقابل نویسندگان در مسئله غامض ماهیت سیستمی بحران‌های جهانی و نقش روابط سرمایه‌داری در ایجاد این بحران ورود نکرده‌اند.

۲-۱. پیشینه پژوهش در سایر منابع

سایر منابع مرتبط با بحران سرمایه‌داری متأخر را می‌توان از حیث ایده محوری‌شان به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

الف. آثار انتقادی

نویسندگان از منظرهای مختلفی به تحلیل آسیب‌شناسانه بحران‌های نظام بین‌الملل پرداخته‌اند. برای مثال می‌توان به پانایوتاکیس (Panayotakis, 2021) اشاره داشت که آثار تخریبی عملکرد و بازتولید روابط سرمایه‌داری را بر وجوه مختلف نظام جهانی معاصر تحلیل کرده است. البته او به‌صورت تک‌بعدی و از منظر تعیین‌کنندگی نهایی ساخت اقتصادی در بحران سرمایه‌داری، تحلیل خودش را ساماندهی کرده و از تحلیل عوامل متعدد ذهنی و عینی دیگر غفلت کرده است. در همین خصوص پژوهش پیکتی (Piketty, 2020) نیز قابل‌توجه است. او به کندوکاو ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی رژیم‌های نابرابر پرداخته و «نابرابری» را در بستری تاریخی و در گستره‌ای از دوران برده‌داری تا عصر کنونی قرارداد و خاستگاه جوامع دارای مالکیت و پیامدهای آن را تحلیل کرده است. در تحلیل وی متغیر اختلاف طبقاتی و توزیع نابرابر درآمد متافیزیک حضور در ناهنجاری و بحران سرمایه‌داری تلقی شده و متغیرهای غیرمادی در عرصه فرهنگی و مناسبت‌های اجتماعی که می‌تواند در کشمکش‌های ساختاری و تضادهای جهانی مؤثر واقع شود، غفلت شده است. به‌کلام‌دیگر بخش عمده‌ای از بحران در سرمایه‌داری متأخر که در ساخت فرهنگی و هویتی تکوین‌یافته و به‌صورت پیچیده در لایه‌های غیراقتصادی ساخت جامعه نوین انتشار یافته، سهم بسیار اندکی در پژوهش او دارد. این نقیصه در پژوهش لاوک (Lauk, 2014) به‌دلیل توجه او به طیف متنوعی از موضوعها (مانند بانکداری، مردم‌سالاری و ارز رایج که در کانون تحلیل بحران

سرمایه‌داری است) وجود ندارد. پرسش اصلی در پژوهش او تحلیل و تبیین خاستگاه و علل بحران ۲۰۰۷ و پیامدهای آن بوده است. لذا پژوهشگر نقطه آغازین بحث را با تحلیل ابعاد مختلف نظام مالی و عملکرد نظام بانکداری بسان یک ساختار بحران‌ساز و تناقض‌های درونی آن را تحلیل می‌کند. نقص تحلیلی پژوهش وی عمدتاً ناشی تأکید بیش‌ازحد بر نقش نظام بانکداری، تحولات پولی و جریان تبادل ارزهای مسلط بین‌المللی مربوط می‌شود. پژوهش مذکور درصدد ترسیم راهکارهایی است که می‌توان از طریق تغییر در سیاست‌گذاری پولی و اصلاح نظام بانکی روندهای بروز بحران در سرمایه‌داری را مسدود نماید. درحالی‌که نقش روابط حقوقی مولد فساد در ساخت سرمایه‌داری و پیچیدگی‌های سیاسی در روابط دولت پنهان که می‌تواند به‌واسطه فساد سازمان‌یافته و دیوان‌سالارانه در تغییر قوانین و سیاست‌گذاری در راستای منافع بالاترین طبقات اجتماعی عمل نماید و نقش کارکردهای سیستم سیاسی مستقر سرمایه‌داری در ایجاد فساد و بحران در این پژوهش مغفول مانده است.

ب. آثار تحلیلی

نویسندگان عمدتاً در پی ارائه نظریه‌ای جهت شناخت بحران‌های مزبور و پیش‌بینی روندهای آتی تحت تأثیر این بحران‌ها هستند؛ برای مثال می‌توان به پژوهش وسترا و همکارانش (Westra & et al. 2015) اشاره کرد. ایشان پیچیدگی بحران سرمایه‌داری را در دوره بعد از فروپاشی مالی ۲۰۰۸ از ابعاد مختلف واکاوی کرده‌اند. در این پژوهش گونه‌های مختلف سرمایه‌داری در شرایط بحران و گذار بررسی شده است. پیوند این مبحث با مسئله امپریالیسم، ریاضت اقتصادی، سرمایه پولی، مراحل تحول، مسئله کسری‌ها در انطباق با مسئله بحران تحلیل شده است. البته ضعف عمده در پژوهش ایشان تأکید مجرد بر نظریه‌های متناسب با کشورهای توسعه‌یافته و کم‌توجهی به وضعیت نظری کشورهای درحال توسعه می‌باشد. در همین ارتباط لیوداکیس (Liodakis, 2012) بحران متأخر در محتوای جهانی‌سازی و روند ادغام اقتصاد جهانی سرمایه‌داری و آثار آن در بازساخت و کنش‌های طبقات اجتماعی را واکاوی کرده است. او در تکاپوی بررسی آثار طبقاتی بحران و بازخورد آن در تضاد کار و سرمایه است. مطابق تحلیل او اقدام به‌رهایی اجتماعی در شرایط انقلابی جاری می‌تواند در سپهر یک بدیل فراملیتی جدید به‌واسطه

ایجاد راهبرد طبقاتی گذار از توتالیتراریسم سرمایه‌داری متحقق شود. انتقاد نظری به این مقاله بسان آثار مارکسیستی رایج دیگر است که بحران را زمینه برای تحول انقلابی ارزیابی می‌نماید. از این چشم‌انداز، مؤلف روند جهانی‌سازی و ادغام بین‌المللی را روندی در ایجاد بدیل غیرسرمایه‌داری می‌داند که راهبرد طبقاتی جهانی ضرورتاً با کنش‌های منفرد انقلابی ملی جایگزین شود. تسلط رویکرد اکونومیستی و امتناع از امعان نظر به تحول‌های فرهنگی - هویتی و بحران مشروعیت دولت در سرمایه‌داری متأخر که به صورت متعین در تغییر پیکربندی نظام جهانی و ماهیت پیچیده بحران متأخر مؤثر بوده است، در این مقاله جایگاهی ندارد. همچنین می‌توان به دیدگاه لاپاویتس‌اس (Lapavitsas, 2011) اشاره داشت که خاستگاه تاریخی و بنیادهای نظری تسلط روندهای مالی‌سازی و افول سازمان تولیدی در اقتصاد جهانی را از سده بیستم واکاوی و به‌سوی تحلیل نظری بحران ۲۰۰۹-۲۰۰۷ گام برداشته است. در این راستا انباشت سرمایه‌داری از دهه ۱۹۷۰ تحت تأثیر متغیر متمایز یعنی کاهش سرعت نرخ رشد، ظهور شرکت‌های چندملیتی انحصاری و مالی‌شدن بوده است. این سه متغیر با مسئله بنیادی جذب ارزش پیوند دارد که ویژگی تعیین‌کننده در اوج مرحله تکامل سرمایه‌داری است. این مقاله همگام با تحلیل روند تسلط نظام بانکی و خدمات مالی بر کل ساختارهای نظام جهانی تکوین بحران ۲۰۰۹-۲۰۰۷ را معلول مالی‌سازی سرمایه‌داری متأخر قلمداد می‌نماید که سهم آثار انقباضی آن در فرایندهای تولیدی و در نتیجه ایجاد گرایش نزولی نرخ سود آشکار است. مقاله مذکور با تمرکز بر الگوهای نظری انتقادی در واکاوی بحران‌های سرمایه‌داری متأخر و تمرکز محض بر پارادایم اقتصادی، از فهم ابعاد غیراقتصادی بحران غفلت نموده است.

با عنایت به نقدهای بیان‌شده بر آثار مورد اشاره، می‌توان چنین اظهار داشت که پژوهش حاضر از جایی که در تحلیل و تشریح ماهیت و سازوکار بحران سرمایه‌داری متأخر، بردار زمانی بلندمدتی برابر با ۵۰ سال را در دستور کار دارد، و همچنین سعی در تبیین ابعاد مختلف آن را دارد و به بعد خاص تمرکز ندارد؛ از پژوهش‌های پیشین متمایز شده و دارای نوآوری است.

۲. مبانی مفهومی و نظری

مبانی مفهومی و نظری تحلیل حاضر عبارت‌اند از:

۲-۱. بحران

اگر چه تعاریف متفاوتی از بحران مستند به مکاتب گوناگون ارایه شده‌اما «از نگاه رویکرد سیستمی بحران در علوم اجتماعی به وضعیتی اطلاق می‌شود که ساختار نظام اجتماعی به دلیل وجود تضادها و تناقضات ساختاری، امکاناتی کمتر از حد لازم برای بازسازی یا ادامه موجودیت نظام فراهم کند. در نتیجه بحران مستلزم یافتن جایگزینی فراسوی نظام موجود است. لذا بحران در یک نظام تاریخی دگردیسی ساختاری بزرگ است که تنها جایگزین آن، فروپاشی تدریجی یا دگردیسی کنترل شده‌برای گذر به یک نظام تاریخی جدید است. بنابراین بحران نوعی گذار است که در مقیاس‌های مختلف انجام می‌گیرد» (Wallerstein, 2001, p.23).

۲-۲. نظام جهانی

تلقی‌های متفاوتی از نظام جهانی ارائه‌شده که وجه مشترک آن‌ها وجود یک واحد سیاسی کلان و فراگیر است که دربردارنده همه واحدهای سیاسی تأثیرگذار در روابط و تحول‌ها، می‌باشد. البته درخصوص اینکه نظام جهانی از چه بازیگرانی تشکیل‌شده اختلاف‌نظر وجود دارد، اما در حد پژوهش حاضر دولت‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، سمن‌های بین‌المللی، روندهای جهانی و حتی شخصیت‌های برجسته بین‌المللی در زمره عناصر اصلی نظام جهانی به‌شمار می‌آیند (نک. مشیرزاده و ابراهیمی، ۱۳۸۰، به‌ویژه بخش نخست).

۲-۳. نظریه سیستم‌های پیچیده

شناخت سیستم‌های پیچیده مستلزم استناد به معرفت‌شناسی و روش مبتنی بر اصل پیچیدگی است. از این‌منظر واکاوی ساخت پیچیده و سازوکارهای درونی سرمایه‌داری بسان یک نظام تاریخی پیچیده، تحرک‌های چرخه‌ای، رابطه تعادل/عدم تعادل، بازتولید آنتروپی/نگانتروپی سیستمی سرمایه‌داری می‌تواند در بستر معرفت‌شناسی پیچیدگی، یک سپهر علمی چندسویه در بحران‌شناسی نظام جهانی ارائه نماید.

الف. معرفی نظریه: مطابق این نظریه ساخت درونی نظام جهانی سرمایه‌داری از مبدأ فضا - زمان تاریخمند ظهور آن در سده شانزدهم کنش متقابل و چندسویه سیستمی میان ساخت اقتصادی، ساخت سیاسی، ساخت فرهنگی - اجتماعی جهان پدیدآورده و انبساط سیستمی آن در دوره بلندمدت یک ساختار شبکه‌ای در روابط بین‌المللی ایجاد کرده است (Wallerstein, 1991, pp. 37-38). این ساخت پیچیده سیستمی در روند انبساط تاریخی در چهارچوب فضای اکوسیستم جهانی عمل کرده و در روند تکاملی سرمایه‌داری براساس کالاسازی و ارزان‌سازی اجزاء طبیعی به حکم‌شدگی کلیت اکوسیستم زمین در روابط شبکه‌ای نظام جهانی منجر شده است (Moore & et al., 2016, pp. 2-3)؛ بنابراین کاربرست معرفت‌شناسی پیچیدگی در شناخت بحران سرمایه‌داری گره‌گشای ابعاد مختلف بحران خواهد بود. این نظریه بر سه اصل به شرح زیر در تعریف و شناخت سیستم‌های پیچیده تأکید دارد (مورن، ۱۳۷۰، صص. ۸۹، ۸۶ و مورن، ۱۳۹۱، صص. ۱۳۲-۱۲۹):

اصل اول. هولونومیک^۱ بر وجود نوعی رابطه نظارتی بین اجزا و کل سیستم دلالت دارد.
اصل دوم. هولوگراماتیک^۲ بر تداخل و درگیری بین اجزا با کل سیستم دلالت دارد.
اصل سوم. هولوسکوپیک^۳ بر تأثیر بازنمودها و ادراک‌ها در شکل‌گیری ماهیت سیستمی دلالت دارد.

ب. ویژگی‌های نظریه: نظریه سیستم‌های پیچیده بر دو ویژگی اصلی استوار است که لازم می‌آید در مقام کاربرست نظریه مورد توجه قرار گیرد:

ویژگی (۱). عدم قطعیت: جنبه ذهنی مسلط در معرفت‌شناسی پیچیدگی اصل عدم قطعیت و پیش‌بینی‌ناپذیری است. این خصوصیت رابطه تنگاتنگی با ماهیت سیستم‌ها دارد که به علت سازمان‌یافتگی بسیار زیاد درونی واجد سرشت پیچیدگی‌اند و منحنی تحول و استحاله ساختاری آن‌ها را تابع اصل عدم قطعیت و بی‌یقینی قرار می‌دهد. از سوی دیگر اصل پیچیدگی در سیستم‌ها رابطه چندبعدی نظم/ بی‌نظمی را در سطوح ماکروسکوپی (نوسان) و میکروسکوپی (گسلنده) نشان می‌دهد. دیالوژیک نظم /

بی‌نظمی دوگانه پیچیده‌ای است که مولد عدم قطعیت (بی‌یقینی)، احتمالات، جبر باوری و اختیار است. از این‌رو این رابطه در سطح آماری، فیزیک کلاسیک و نظام‌های اجتماعی خصلت و جهت‌گیری متناقض‌نما نشان می‌دهد و اصولاً در شرایط انشعاب سیستمی تابع اصل بازگشت‌ناپذیری ساختاری است. از این‌منظر پیچیدگی و عدم قطعیت برخاسته از پیچیدگی با اطلاعات پیوند دارند. اطلاعات برای تشریح و حل عدم قطعیت حک شده در سیستم لازم است. این دو اصل پیچیدگی و در پیوند با اطلاعات در تعارض و ستیز با یکدیگرند. هنگامی که یکی کاهش یابد احتمالاً دیگری افزایش می‌یابد؛ یا در بهترین وضعیت در همان سطح باقی می‌ماند (Klir, 2001, pp. 141-142). اما از آنجایی که دستیابی به اطلاعات مطلق احتمالاً ناممکن است، لذا عدم قطعیت و نامعین‌بودگی در شناخت مسیر استحاله‌های سیستمی به‌سان یک رویکرد متعارف در علم سیستم‌ها پارادایم مسلط شمرده می‌شود.

ویژگی (۲). عدم تعادل: در یک سیستم عدم تعادل می‌تواند مولد ساختاری بدیع هم باشد. به کلام دیگر دگرگونی و استحاله کمی و کیفی در علم فیزیک، زیست‌شناسی و علوم اجتماعی به وضعیتی اشاره دارد که در آن فاصله‌گیری از تعادل و ثبات به ظهور ساختارهای پراکنده‌ساز^۵ منجر می‌شود (Marek & Schreiber, 1991). ساختارهای پراکنده‌ساز از بطن ساختارهای نامتعادل و خود - سازمان‌دهنده خارج می‌شوند که در همه زمینه‌های علمی به‌ویژه علوم اجتماعی و علوم اقتصادی کاربرد دارد. این ساختارها را فقط می‌توان بر پایه بردار زمان توصیف کرد. در این میان رابطه دیالورژیک و پیچیده نظم / بی‌نظمی سیستم در شکل دادن به کمیت و کیفیت این ساختارها تعیین‌کننده است. تحلیل عدم تعادل در سیستم می‌تواند در فهم نسبی تعیین‌خاستگاه و ظهور پدیدارها و نظام‌ها مؤثر باشد. از این‌منظر رویدادها و اتفاق‌ها با انشعاب و چندشاخه شدن پیوند دارند، اما پارامتر پیچیده در این میان غیرقطعی و نامعین بودن آینده است (Prigogine, 2003, pp. 53). پرواضح است که شمار اندکی از ذرات می‌توانند با ایجاد عدم تعادل ماهیت سازمان سیستم را در سطح ماکروسکوپی تغییر دهند؛ بنابراین تعیین جهت عدم تعادل و اثرگذاری ساختاری آن در سیستم پیچیده و افزایش پیچیدگی در آن، در سطح ماکروسکوپی آشکارتر قابل مشاهده و ادراک است. در صورت تشدید و

تداوم عدم تعادل سیستم پیچیده در امتداد حرکت بردار زمانی می‌تواند دگرگونی ساختاری سیستم را به فاز آشفتگی وارد نماید. اصل آشفتگی شدت برگشت‌ناپذیری و پیش‌بینی‌ناپذیری در گذار ساختاری و استحاله سیستم پیچیده را تشدید می‌کند؛ بنابراین بردار زمان تابع اصل برگشت‌ناپذیری و پیش‌روندگی جبرباورانه در راستای مثبت است. به کلام دیگر در ابعاد فضا - زمان توالی و استمرار در رویدادها و اتفاق‌ها متحقق می‌شود و حرکت زمان توقف‌ناپذیر است (Albeverio & et al., 2006, pp. 26-27; Hawking & Penrose, 1996)، اما در وضعیتی که نظام‌ها و پدیده‌ها از نظم و تعادل جدا می‌شوند، روند استحاله کمی و کیفی آغاز می‌شود. در نتیجه چندشاخه‌شدن و انشعاب‌ها آغاز می‌شود و سیستم‌ها یا پدیدار جدید بر پایه دگرذیسی دیالکتیکی کمی به کیفی تکوین پیدا می‌کنند.

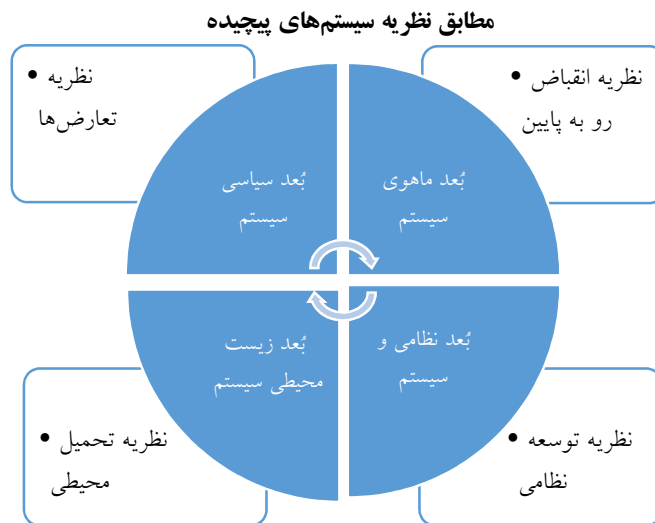
ویژگی (۳). برگشت‌ناپذیری: مسئله پیچیده در این مورد یافتن ماهیت و مسیر تغییرات و استحاله‌های ساختاری احتمالی و برگشت‌ناپذیری در سیستم‌های پیچیده و پیوند آن با بردار زمان در فاز چندشاخه‌شدن بر مبنای تحلیل‌های غیرخطی و روابط احتمالات انجام می‌گیرد (Brogliato; Lozano & et al., 2007; Aziz. alaoui & Bertelle, 2009). از این حیث به نظر می‌رسد ساختار نظام جهانی سرمایه‌داری به دلیل پیچیدگی در بازتولید رابطه تعادل / عدم تعادل در ساخت درونی آنکه به صورت منظم وارد سیکل‌های بی‌نظمی و نوسان می‌شود، واکاوی چندشاخه‌شدن احتمالی آن در فاز انشعاب سیستمی در شرایط بحران برای تعیین بدیل‌های تحقق‌پذیر و شناخت مسیرهای احتمالی در بازساخت / بازپیکربندی یا گذار به نظام جهانی پسا سرمایه‌داری استناد به معرفت علمی عدم قطعیت‌ها معنادار و تعیین‌پذیر خواهد بود.

۲-۴. الگوی تحلیل

ضرورت فهم استحاله درونی و جهت بردار دگرذیسی ساختاری^۶ نظام جهانی بر بنیاد روش تحلیلی سیستم‌های پیچیده و در بستر معرفت‌شناسی پیچیدگی به ساخت درونی و نوسان‌های ساختاری این نظام تاریخی به علل سیکل‌های دوره‌ای، تضادها و تناقض‌های درونی سه‌گانه «بنیادی، متحرک و خطرناک» آن مربوط می‌شود (هاروی، ۱۳۹۴، صص. ۲۸۷، ۱۲۵، ۲۹). در این سپهر تحلیلی حکم‌شدگی متقابل و پیچیده اجزا

ساختی سرمایه‌داری یک پیوند ساختی - کارکردی دیالوژیک / دیالکتیکی بر پایه تثلیث معرفت‌شناختی پیچیدگی ایجاد کرده است که در این محتوا به علت فقدان یک واحد مرکزی کنترل ساختاری در نظام جهانی، مؤلفه‌های آنتروپیک آن گرایش‌های پراکنده‌ساز ساختاری نظام جهانی را تقویت می‌کند و بی‌نظمی ساختی ممتد، بی‌ثباتی و نوسان‌های پراکنده‌ساز را افزایش می‌دهد. لذا اقتصاد جهانی سرمایه‌داری به‌مثابه زیربنای ساختی نظام جهانی کارکردهای متناظر و همگرا با واحد پردازش‌گر مرکزی نظام جهانی یعنی فضای کانونی در محور قدرت هژمون را اجرا می‌نماید. از این حیث تکوین اشکال مختلف بحران در نظام جهانی سرمایه‌داری یک رابطه ساختی پیچیده با قدرت هژمون دارد که به علل ناشی از تسلط تعیین‌کننده هژمون بر تولید ناخالص داخلی اقتصاد جهانی، روابط مالی، سهم بیشینه از تولیدهای دفاعی و نفوذ تعیین‌کننده در تقسیم‌های ژئوپلیتیکی جایگاه مرکزی در ایجاد بحران‌های سیستمی سرمایه‌داری را متحقق می‌نماید (Hopkins & et al., 1982, pp. 51-50). با این توصیف مشخص می‌شود که بحران بلندمدت سرمایه‌داری، از منظر نظریه سیستم‌های پیچیده حداقل در چهار بُعد اساسی دارای پیامد می‌باشد:

نمودار شماره (۱): الگوی تحلیل پیامدهای بحران نظام سرمایه‌داری جهانی



۳. پیامدهای ناشی از ماهیت انقباضی نظام جهانی سرمایه‌داری

بحران ممتد اقتصاد جهانی سرمایه‌داری در بردار بلندمدت ۲۰۲۰-۱۹۷۰ در ساختاری تکوین یافته است که جهت منفی بردار زمان پیش از آن شکوفایی منحصر به فرد موسوم به عصر طلایی سرمایه‌داری را سپری کرده بود. به طوری که در دوره بلندمدت ۱۹۴۵-۱۹۷۰ شاخص‌های عمومی رشد و توسعه اقتصاد جهانی همگام با انقلاب فناورانه در عرصه خودروسازی، صنایع الکترونیک و پتروشیمی، موج بلند انبساط رو به بالای سیکل کندارتیف را بازتولید کرده بود (Marshall, 1987, p. 99). در این مرحله از رونق ساختاری اقتصاد جهانی، میانگین نرخ رشد سرانه تولید ناخالص داخلی قدرت‌های کانونی نظام جهانی برای ایالات متحده، اروپای غربی و ژاپن به ترتیب ۲/۴۵، ۴/۰۵ و ۸/۰۶ درصد و میانگین نرخ رشد سرانه تولید ناخالص برای کل اقتصاد جهانی به صورت تصاعدی روند افزایشی از ۰/۸۸ درصد در دوره ۱۹۵۰-۱۹۱۳ به ۲/۹۲ درصد در دوره ۱۹۷۰-۱۹۵۰ تجربه نمود (Dunn, 2009, pp. 132-133)، اما از بازه زمانی ۱۹۶۸-۱۹۶۷ روند بارآوری و سود کلان اقتصاد جهانی روند انقباض روبه پایین را تجربه نمود و توالی بلندمدت این وضعیت بازتولید سیکل B کندارتیف را به دنبال داشته است. این بحران ممتد در اقتصاد جهانی سرمایه‌داری از متغیرهای پیچیده‌ای تأثیر پذیرفته که دست‌کم می‌تواند معلول متغیرهای بحران‌ساز تناقض‌های سه‌گانه سرمایه‌داری باشد. آثار ساختاری این بحران در گرایش بلندمدت نزولی نرخ سود در اقتصاد جهانی محقق شده است (نک. جدول شماره ۱).

جدول شماره (۱): سود شرکت‌ها با تعدیل ارزش موجودی بدون تعدیل مصرف سرمایه (۱۹۶۰-۲۰۰۸)

| سال | کل ایالات متحده درصد افزایش (میلیارد دلار) | کارخانجات ایالات متحده درصد افزایش (میلیارد دلار) | سایر مناطق جهان درصد افزایش (میلیارد دلار) |
|------|---|--|---|
| ۱۹۶۰ | ۵۱/۵ | ۲۳/۸ | ۳/۱ |
| | } ۵۳/۴ | } ۱۵/۵ | } ۱۲۰/۴ |
| ۱۹۷۰ | ۷۴/۴ | ۲۷/۵ | ۷/۱ |
| | } ۱۸۴/۱ | } ۱۸۴/۷ | } ۲۰۷/۰ |
| ۱۹۸۰ | ۲۱۱/۴ | ۷۸/۳ | ۳۵/۵ |
| | } ۸۸/۶ | } ۴۶/۱ | } ۲۴۹/۱ |
| ۱۹۹۰ | ۳۹۸/۸ | ۱۱۴/۴ | ۷۶/۱ |
| | } ۸۹/۳ | } ۴۵/۵ | } ۹۱/۳ |
| ۲۰۰۰ | ۷۵۵/۷ | ۱۶۶/۵ | ۱۴۵/۶ |
| | } ۸۸/۵ | } ۲۲/۰ | } ۱۴۲/۰ |
| ۲۰۰۸ | ۱۴۲۴/۵ | ۱۷۵/۵ | ۳۷۷/۲ |

(بر پایه میلیارد دلار؛ داده‌های سه ماهه در نرخ‌های سالانه تعدیل شده فصلی)

(Source: Berberoglu, 2012, p. 30)

این روند بحران‌ساز با سلسله‌ای از دگردیسی‌های ساختاری در سرمایه‌داری متأخر مقارن گشته و در یک رابطه دیالکتیک/دیالکتیکی پیشرونده بازتولید پیچیدگی درونی معطوف به آنتروپی در نظام جهانی را در دوره بلندمدت تعمیق و به شرح زیر تسریع نموده است:

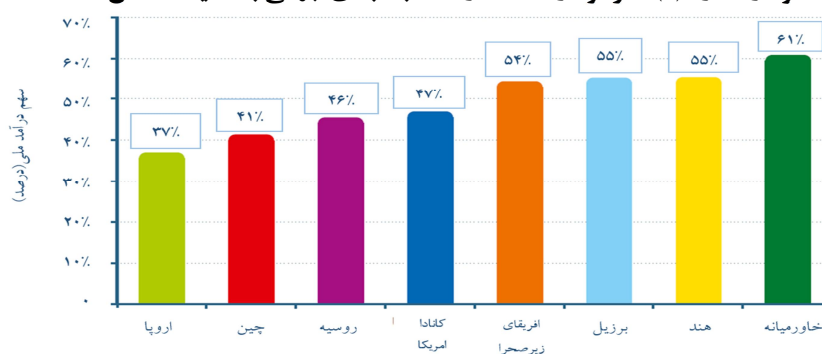
یک. استیلا بخش خدمات با تفوق مالیه در اقتصاد جهانی و تغییر نسب معکوس سودهای غیرمولد نسبت به تولید در اقتصاد جهانی (Robinson, 2014, pp. 135-136).

دو. جهانی شدن سرمایه‌داری کازینویی (Taft, 2016, pp. 14-15) و توسعه روابط سرمایه مالی انحصاری متناظر با آن (Westra & et al., 2015, pp. 152-153).

سه. نئولیبرال‌سازی بخش‌های عمومی اقتصاد جهانی به‌ویژه در مناطق پیرامونی نظام جهانی برپایه الگوهای بنیادگرایانه تعدیل ساختاری و اجماع واشینگتن (Duménil & Lévy, 2011, p. 8-9).

به نظر می‌رسد تحولاتی متناقض سه‌گانه آثار تقویت‌کننده، اما محدود در اقتصاد دولت هژمونیک ایالات متحده پدید آورده است. در این سپهر کانون قدرت در ایالات متحده فشار بحران را به لایه‌های زیرین نظام اقتصاد ملی منتقل و کارکردهای دولتی را در بخش‌های تولید و خدمات عمومی از طریق انسداد در مالکیت دولتی و توسعه بخش خصوصی برون‌سپاری نموده و در تعدیل روند افول نرخ انباشت توفیق داشته است (Li, 2020, pp. 49-50). بازخوران این تحول به‌واسطه تحمیل مقررات نهادهای برتون وودز به‌صورت شبکه‌ای در نظام جهانی به یک روند مسلط سیستمی بدل شده است. این وضعیت به‌واسطه برون‌سپاری کارکردهای دولتی به عرصه خصوصی، الزام‌های انباشت ساختاری در بالاترین لایه طبقه‌های اجتماعی نظام جهانی را بر مبنای راهبردهای جانبدار عرضه در اقتصاد کلان بین‌المللی تسهیل نموده (نک. نمودار شماره ۲) و بازتولید شکاف طبقاتی اقتصاد جهانی بر مبنای نظام مالیات‌ستانی ناکارآمد و توزیع عمیقاً نابرابر درآمدهای جهانی بر پایه الگوی تراوش قطره چکانی صورتی شدیداً ناموزون به مورفورلوزی طبقات اقتصاد جهانی بخشیده است (See Piketty, 2020).

نمودار شماره (۲): تمرکز درآمد ۱۰ درصد طبقه بالای جهانی به تفکیک مناطق ۲۰۱۶

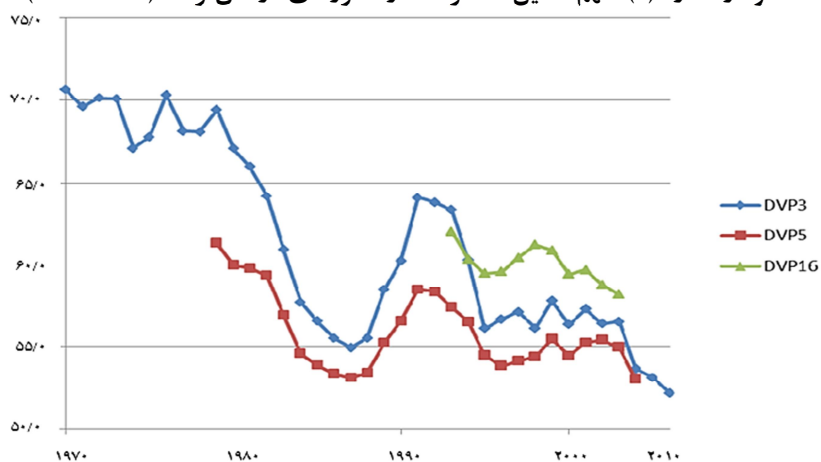


(Source: Alvaredo & et al., 2018, p. 43)

از سوی دیگر روند مذکور آثار ساختاری بحران فشرده‌گی تولید ناخالص داخلی اقتصاد جهانی را تشدید کرده و در دوره بلندمدت آشفستگی بازتولید روابط سرمایه‌داری را به‌دنبال داشته است. این روند انقباضی در عرصه‌های تولید صنعتی و کشاورزی تشدید شده است. لذا حجم تولیدات مادی در فاز سیکل B انقباض جهانی نسبت به دوره پیش از ۱۹۷۰

فشرده شده (World Bank, 2022a) و در مقابل بارآوری و سود ساختاری سرمایه‌داری بین‌المللی به بخش مالی و خدمات منتقل شده است (Atikian, 2013, p. 38). مالی شدن سرمایه‌داری متأخر در مقیاس کل نظام جهانی و توسعه فناوری به‌ویژه در بخش ICT آثار سیستمی در تعدیل نیروی کار متخصص و یدی را به‌دنبال داشته است. در واقع مسئله انقباض اقتصاد جهانی و توسعه فناوری در فرایندهای تولیدی و خدماتی و مالی شدن اقتصاد جهانی روند ممتد افزایش بیکاری از ۴/۸ درصد در ۱۹۹۱ به ۶/۲ درصد در ۲۰۲۲ (World Bank, 2022b) و کاهش سطح عمومی دستمزدهای جهانی را به‌دنبال داشته است (نک. نمودارهای ۳ و ۴).

نمودار شماره (۳): سهم تعدیل دستمزدها در کشورهای درحال توسعه (۱۹۷۰-۲۰۱۰)



(Source: International Labour Organization, 2013, p. 1)

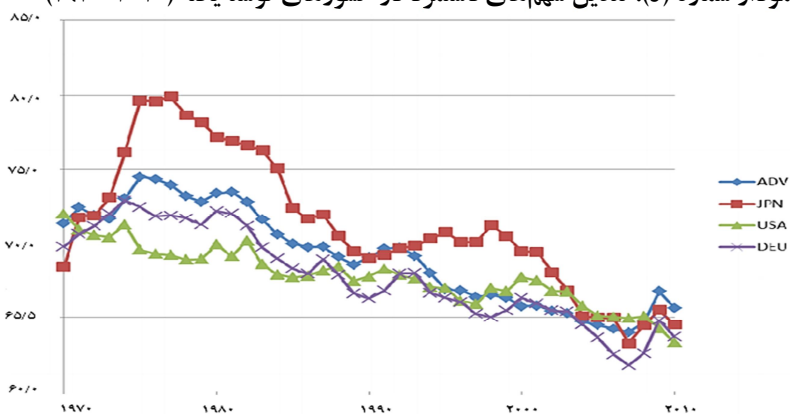
DVP3: میانگین بدون وزن مکزیک، کره جنوبی و ترکیه

DVP5: میانگین بدون وزن چین، کنیا، مکزیک، کره جنوبی و ترکیه

DVP1G: میانگین بدون وزن آرژانتین، برزیل، شیلی، چین، کاستاریکا، کنیا، مکزیک، نامیبیا، عمان، پاناما،

پرو، روسیه، آفریقای جنوبی، کره جنوبی، تایلند و ترکیه.

نمودار شماره (۴): تعدیل سهم‌های دستمزد در کشورهای توسعه یافته (۱۹۷۰-۲۰۱۰)

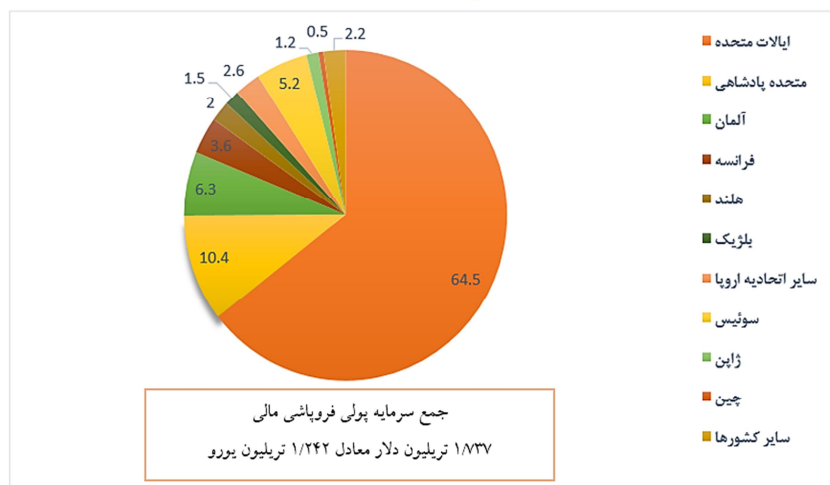


(Source: International Labour Organization, 2013, p. 1)

تعدیل سهم‌های دستمزد در کشورهای توسعه یافته ایالات متحده، ژاپن، آلمان و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه
 ADV: مخفف میانگین بدون وزن کشورهای با درآمدهای بالای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه غیر از کره جنوبی.

از سوی دیگر عمده‌ترین آثار مالی شدن اقتصاد جهانی، تولید ثروت و بارآوری کرانمند در مناسبات سرمایه‌داری کازینویی و همگام با آن کاهش حجم تولید مادی بوده است. در این فضای جدید حباب‌های کنترل‌ناپذیر در سازوکارهای اقتصاد جهانی ایجاد شده که همزمان در سیکل بحران‌های مالی در قالب سقوط بازارهای بورس سهام و بحران بدهی بازتولید گردیده است. نقطه پیشینه فروپاشی حباب سرمایه‌داری مالی در سیکل سال ۲۰۰۸ متحقق شد. بخش عظیم انباشت در این مرحله محصول انباشت مجازی در فضای اقتصاد دیجیتال بر پایه سرمایه‌گذاری موهوم صورت گرفت. انفجار حباب مالی اخیر بعد از جنگ دوم جهانی بزرگترین فروپاشی انباشت سرمایه مالی را در اقتصاد جهانی پدید آورد (نک. نمودار شماره ۵).

نمودار شماره (۵): توزیع جهانی استهلاك فروپاشی مالی بانک‌های کشورهای مختلف جهان در بحران ۲۰۱۰-۲۰۰۷



(Source: Sinn, 2010, p. 166)

۴. پیامدهای ناشی از بحران در سیاست نظام جهانی سرمایه‌داری

در دوره متأخر نظام جهانی اقدامات دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی برای بازتولید پویایی روابط سرمایه‌داری و مهار بحران‌های نهفته در آن، کانون‌های قدرت و تصمیم‌ساز جهانی را با ساختارهای پراکنده‌ساز سرمایه‌داری پیوند زده است (Mészáros, 2008, pp. 399-400). این تحول عمدتاً با ماهیت دولت کوپوراتیستی، سیاست‌های اقتصاد کینزی و برنامه‌های دولت رفاهی عصر طلایی سرمایه‌داری مرتبط است که همگام با آغاز بحران بلندمدت سرمایه‌داری متأخر با یک چرخش به راست جدید، بحران سرمایه‌داری متأخر را بر اساس سیاست‌های بازتولید روابط طبقاتی شدید و الگوهای رشد و توسعه مبتنی بر نظریه‌های اقتصاد نوکلاسیک به کلیت ساخت سیاسی نظام جهانی و سیاست اجتماعی دولت‌ها تسری داده است (Kiely, 2005, pp. 278-279). براین اساس پیامدهای احتمالی زیر برای بازیگرانی همانند ایران به شرح زیر پیش‌بینی می‌شود:

الف. بروز تعارض بین مؤلفه‌های توسعه و مدیریت بحران: تحول‌هایی که در

سرمایه‌داری متأخر در انطباق با موج بلندمدت بحران پدید آمده ترمیم فضایی نظام جهانی را به شیوه‌های بسیار پیچیده با سازوکارهای سرمایه‌داری نئولیبرال و الزام‌های انباشت مالی همسو با آن محدود نموده است (Fumagalli & Mezzadra, 2010, pp. 247-248). از این منظر بدون پشتیبانی سازمان‌یافته دولت از روابط بازار آزاد و الزام‌ها انباشت در فضای بحرانی سرمایه‌داری بازتولید روابط متابولیک نظام جهانی و انباشت نظام‌مند مختل می‌شود. این در حالی است که اقتضای برنامه توسعه سیاسی و اقتصادی بیشتر بر کوچک‌سازی دولت‌ها تأکید دارد و همین امر منجر به بروز تعارض بین سیاست‌های توسعه در بخش سیاسی و اقتصادی با پیامدهای ناشی از بحران سرمایه‌داری جهانی می‌گردد. به همین خاطر است که مشاهده می‌شود در دوره متأخر نظام‌های سیاسی در ایجاد انطباق‌پذیری سیستمی با روابط اقتصاد جهانی و همسو با سیاست‌های جهانی هژمونیک آمریکا، بازساخت سازمان اقتصاد ملی را در همگرایی و تطبیق‌پذیری با ساختار طبقاتی نظام جهانی و الزام‌های انباشت ملی متناظر با آن پیکربندی نموده‌اند (Amin, 2019; Amin, 2011).

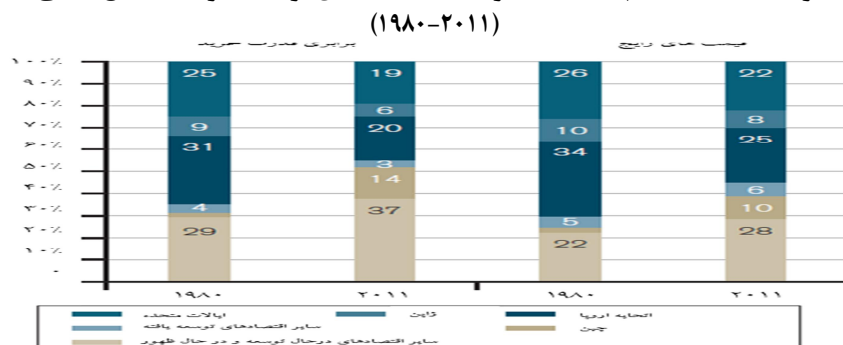
ب. **بروز بحران در بنیادهای توسعه اقتصادی ملی:** فرماسیون اجتماعی و اقتصادی کلان و سیاست بازتوزیع ساختاری بین‌المللی نیز بر مبنای الگوی مسلط نظام سرمایه در دولت هژمون تنظیم‌شده و از این مسیر اثربخشی جهانی شدن سرمایه‌داری آمریکایی و روند پیکربندی شکاف‌های ساختی نظام جهانی را افزایش داده است (Grosfoguel, 2002, pp. 116-117 & et al.); بنابراین الگوی سرمایه‌داری نئولیبرال، ساختی را در مقیاس کل نظام جهانی بازآفرینی کرده است که پیامدهای آن نخست در تعمیق شکاف‌های ساختاری اقتصاد جهانی متعین شده و دوم شدت پیچیدگی بحران متأخر را متعادل با فضای ذهنی و عینی پیچیدگی روند افول هژمونیک آمریکا تشدید کرده است.

پ. **بروز بحران از ناحیه بازتولید نوسان‌های سیستمی در گستره جهانی:** نقش متناقض سازمان‌های بین‌المللی با محوریت نهادهای برتون وودز بسان ابزارهای نهادی کنترل حقوقی و نهادی هژمونیک با اتکای به ذخایر طلا و امپریالیسم دلار، به صورت الزام‌های بازتولید وابستگی ساختاری و کنترل سیستمی عمل نموده است (Cesarano, 2006). در این سپهر، وابستگی عمودی روبه بالا به یک رابطه حقوقی و سازمان‌یافته با

محتوای کاذب اخلاقی، مشروع و قانونی در نظام جهانی بدل شده و پیامدهای این نوع شبکه‌سازی نهادی در بحران سرمایه‌داری متأخر آثار ساختاری در پی داشته است. در این ساخت نهادی هژمونیک نوسان‌های ساختار داخلی هژمونی امریکایی به صورت نوسان‌های سیستمی در شبکه‌های روابط بین‌الملل بازتولید شده است (Amin & et al., 1982, pp. 60-61; Devezas, 2006, p. 36).

ث. بروز بحران از ناحیه توسعه ناموزون: در این راستا استمرار توسعه نیافتگی ساختاری در جنوب جهانی در دوره سرمایه‌داری متأخر به علت مداخله نهادهای برتون وودز در الگوهای رشد و توسعه از یک سو مورفولوژی ناموزون توسعه را به واسطه شکاف بیشتر در انباشت جهانی حول محور دولت‌های کانونی تشدید نموده و رشد و توسعه پیرامونی را به روابط هژمونیک و الزم‌های ساختی نظام جهانی مشروط نموده است (El-Ojeili & Hayden, 2006, pp. 55-56). از سوی دیگر فرم‌اسیون فرایندهای تولیدی چندساختی غیرکانونی را تحت فشار سیاست‌های جهانی سرمایه‌داری غیرمولد و کازینویی تضعیف نموده است. این روابط با تأثیرگذاری چندبعدی و متقابل در اجزاء متعدد نظام جهانی روند پیچیده رشد و توسعه در دولت‌های غیرکانونی را در یک بازساخت بحرانی توسعه ناموزون و ناهماهنگ محدود نموده است (Pradella & Marois, 2015, pp. 256-258). لذا برآیند سیستمی توسعه نامتقارن در نظام جهانی به صورت نامتوازن در تولید ناخالص اقتصاد جهانی و جریان حرکت عام ارزش بین‌المللی به دولت‌های کانونی تعیین یافته است (نگاه کنید به نمودار شماره ۶).

نمودار شماره (۶): سهم اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه از تولید ناخالص جهانی

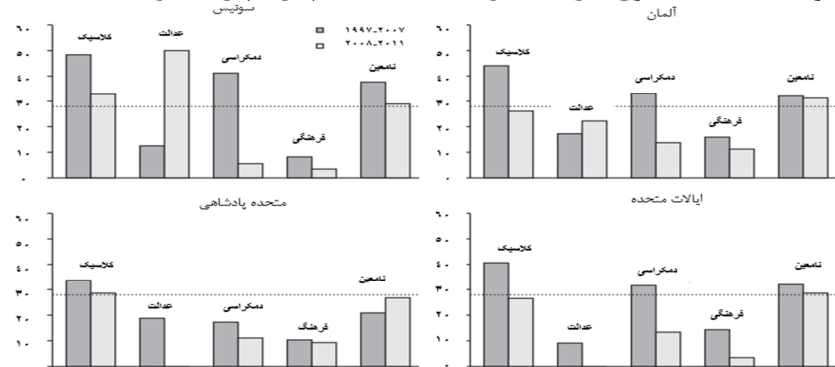


(Source: World Trade Organization, 2013, p. 59)

از منظر پایین‌ترین لایه‌های طبقات اقتصاد جهانی بحران در شاخص‌های عام توسعه و انقباض پایدار سطح کیفی و رفاه عمومی به علت تعمیق فقر و تشدید آن به‌واسطه اقدامات بحران‌ساز سیستم‌های سیاسی و سازمان‌های بین‌المللی بازخوان پراکنده‌ساز سیستمی در سطح بین‌المللی ایجاد کرده است (Della Porta & Tarrow, 2005, pp. 236-237)، اما واکنش‌های این تضادها در دوره بحران بلندمدت به‌صورت سیکل‌های ممتد کنش جمعی، اقدام‌های صنفی و سندیکایی با اهداف معین طبقاتی برای بازتوزیع انباشت جهانی همانند جنبش‌های اجتماعی معارض با جهانی شدن (Moghadam, 2009)، تسخیر وال استریت ایالات متحده (Gelder, 2011)، جلیقه زردها در فرانسه (Ortiz & et al., 2022)، جنبش‌های هم ارز با بحران‌های توسعه محور در مناطق جنوب جهانی (Motta & Nilsen, 2011) بازتاب عینی از فضای بحران متأخر است. در سطح جهانی نیز گسترش جنبش‌های ضدسیستمی در لایه‌های سه‌گانه نظام جهانی که مقارن با جنبش می ۱۹۶۸ با رویکردهای فراملی، فرهنگی و هویتی و معطوف به منافع مشترک بشریت توسعه‌یافته، ساخت سیاسی نظام جهانی را با چالش ساختاری مواجه نموده است (Barker & et al., 2013, pp. 5-6).

ج. بروز بحران در ساخت دولت: بحران در سیاست سرمایه‌داری در متغیرهای بحران‌ساز ساخت دولت متأخر عینیت یافته است. همدستی عاملیت سوژه انسانی در دو سوی حوزه عمومی و دولتی و حوزه سرمایه‌های خصوصی با هدف تبادل رانت و تداوم منافع متقابل پربیندالی شرایطی را پدید آورده است که شاخص‌های سیاسی، فرهنگی و اخلاقی دولت در وضعیت نفوذ سیاست لابی و استحاله کارکردهای عمومی دولت به کارکردهای بازتولید روابط مافیایی - پلوتوکراسی، تقلیل یافته است (استندینگ، ۱۴۰۰، صص. ۱۲۶-۱۲۵). افول شاخص‌های آماری عام ساختار توسعه در برون‌داد کارکردهای ذهنی و عینی سیستم‌های سیاسی و بحران سیاست دموکراتیک در کشورهای عمده کانونی، بحران مشروعیت سیاسی در نظام جهانی را آشکار می‌نماید (نگاه کنید به نمودار شماره ۷).

نمودار شماره (۷): سطوح مشروعیت سرمایه‌داری (درصد) پیش و پس از بحران ۲۰۱۱-۱۹۹۷



(Source: Schneider & et al., 2017, p. 87)

معیار کلاسیک: کارایی، جهت‌گیری خیر عمومی، نوآوری، ثبات اقتصادی، آزادی شخصی، سود، تنظیمی و ثروت معیار عدالت: عدالت توزیعی
 معیار دموکراسی: ثبات دموکراتیک، محافظت از حقوق بشر، حاکمیت مردمی، برگشت‌پذیری، قدرت و ظرفیت اقدام
 معیار فرهنگ: اخلاق، رهبری، فضایل و ردایل شخصی و اعتبار
 معیار نامعین: معیار مشروعیت نامعین

۵. پیامدهای ناشی از بحران نظامی و ژئوپلیتیکی در نظام جهانی سرمایه‌داری

ساختارهای اقترانی در سرمایه‌داری متأخر واکنش‌های بسیار پیچیده‌ای به بحران‌های سیستمی بروز داده‌اند. از آنجایی که در دوران جنگ جهانی دوم در همایش‌های یالتا و پستام یک مرزبندی آشکار در تقسیم‌های ژئوپلیتیکی نظام جهانی میان قدرت‌های کانونی به سرکردگی شوروی و هژمونی ایالات متحده و هم‌دستان آن‌ها صورت گرفت (Plokhy, 2010 & Buhite, 1992)، لذا ساخت سیستمی روابط بین‌دولتی، مانع از انتشار بحران‌های سیستمی سرمایه‌داری به تقسیم‌های ژئوپلیتیکی رقیب نشد. به کلام دیگر تحول‌های ژئوپلیتیکی نظام جهانی در دوره متأخر عمیقاً تحت نفوذ تعیین‌کننده بحران‌های پیچیده سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سیستمی بوده است (Babones & Chase-Dunn, 2012, pp. 121-122). از این منظر کشمکش‌های نظامی - امنیتی در فضاهای جغرافیایی مختلف پیامدهای نافذ بر مسائل پراکنده‌ساز ژئوپلیتیکی برجای گذاشته که مهم‌ترین آن‌ها برای کشورهای ایران عبارت‌اند از:

الف. توسعه رقابت‌های نظامی و تحمیل هزینه‌های سنگین بر اقتصاد ملی: آشکارترین آثار این بحران‌ها در آخرین فاز بردار زمانی جنگ سرد با تشدید رقابت تسلیحاتی با طراحی راهبرد جنگ ستارگان از سوی رژیم ریگان در مسائل اروپایی شرقی متحقق شد. این روند همگام با آغاز روند فروپاشی سومین سیکل نظام‌مند هژمونی، ایالات متحده را در مسیر اتخاذ یک سیاست خارجی تهاجمی در فضای جغرافیایی تحت نفوذ ژئوپلیتیکی شوروی در اروپای شرقی هدایت کرد و همزمان سیاست فشار - مداخله در سایر مناطق تحت نفوذ ژئوپلیتیکی واشینگتن در غرب آسیا و شرق دور را متداوم نمود (Sutter, 2018, pp. 93-94; Pintak, 2003, pp. xi-xiii). به کلام دیگر فروپاشی جنگ سرد یک برآیند اقتরانی بحران‌ساز در نظام جهانی ایجاد کرد. برآیند این روندهای پراکنده‌ساز افزایش برخوردهای نظامی در مناطق غیرکانونی نظام جهانی و گسترش تجارت تسلیحاتی و افزایش تصاعدی مخارج کلی نظامی جهان را به دنبال داشته است؛ به طوری که این مخارج در سال ۲۰۲۱ نسبت به ۲۰۱۲ دوازده درصد افزایش داشته است. ایالات متحده بسان محور اصلی روند بحران‌ساز جهانی تولیدکننده و صادرات کلاس‌های مختلف تسلیحات بیش از ۳۸ درصد کل مخارج نظامی جهانی را در اختیار دارد (SIPRI, 2022, pp. 1-3).

ب. بازتولید اقتصاد سیاسی جنگ: بحران نظامی با توجه به متغیر افوال سیستمی آمریکا در محتوای بحران ژئوپلیتیکی سیستمی، مُتَعَبِن تر خواهد بود. چنین می‌نماید در تداوم بردار زمانی دوره پسا شوروی بازتولید سرمایه‌داری آمریکایی بدون بازتولید دستگاه اقتصاد سیاسی جنگی بر پایه راهبرد توسعه کمی و کیفی منابع تسلیحاتی نمی‌توانست تحقق‌پذیر باشد. در این راستا مجتمع‌های نظامی - صنعتی با نفوذ تعیین‌کننده در نظام قانون‌گذاری و دستگاه تصمیم‌سازی در ساخت قدرت ایالات متحده سمت‌وسوی بقای هژمونیک سیستمی آمریکا را به افزایش قدرت نظامی و الزام‌های مالی و لجستیکی کنترل بلامنازع^۷ بر ژئوپلیتیک نظام جهانی پیوند زده‌اند (Hartung, 2011, pp. 25, 121, 180). از این منظر افزایش بودجه نظامی آمریکا بسان دستوری راهبردی برای پتتاگون، پیامدهای سیستمی ذیل را در جهان پدید آورده است: اول. واکنش جهانی به ویژه قدرت‌های کانونی به صورت افزایش مخارج نظامی - امنیتی؛

دوم. گسترش رقابت تسلیحاتی و تجارت اسلحه در سطح روابط بین‌الملل؛ سوم. افزایش تحرک‌های ضدنظم منطقه‌ای و بین‌المللی که به صورت اشکال مختلف جنگ‌های محدود و نامحدود پدیدار شده است.

چنان‌که ملاحظه می‌شود جمهوری اسلامی ایران در هر سه بُعد بیان‌شده با پیامدهای مزبور روبه‌رو شده و همین امر منجر شد تا راهبرد و سیاست‌های امنیتی ایران، متناسب با شرایط و اقتضاهای محیطی در گستره منطقه‌ای و بین‌المللی بازتعریف‌شده و ارتقا یابد.

پ. تعارض‌های ایدئولوژیک و تحول‌های نظامی: الگوی ایدئولوژیک لیبرالی از منظر سیاسی با هدف موهوم گسترش آزادی، کثرت‌گرایی فرهنگی و توسعه حقوق بشر جهانی، ابزاری نرم برای مداخله آمریکا در تقسیم‌های مختلف ژئوپلیتیکی و مسائل داخلی دولت‌های مستقل بوده است. لذا می‌توان آثار این مداخله‌ها را در قالب افزایش کشمکش میان آمریکا و متحدانش با کشورهای هدف (به‌طور مشخص جمهوری اسلامی ایران) مشاهده نمود (Mearsheimer, 2018, pp. 189-190). این وضعیت در مناطق بحران‌ساز مانند قوس ژئوپلیتیکی هارتلند در سه مختصات خاورمیانه، اوراسیا و حاشیه آسیا‌پاسیفیک در دوره پسا شوروی، یک مسئله عمده در گسترش بحران‌های ژئوپلیتیکی بوده است. هرچند در این میان نیز می‌توان به ابعاد خاص نظامی و امنیتی این کشمکش‌ها در مناطق یاد شده نیز اذعان نمود. واکنش دولت‌های هدف نسبت به این مداخله‌های امپریالیستی در قالب افزایش بودجه نظامی و توسعه زیرساخت‌های تسلیحاتی با هدف پیشگیری از تعرض‌های هژمونیک احتمالی مبنایی برای توسعه دکنترین‌های دفاعی مبتنی بر بازدارندگی هسته‌ای و غیرهسته‌ای موشک‌پایه بوده است (Fels, 2016, pp. 236-237). این وضعیت در توسعه برنامه‌های سیستم‌های موشکی در کلاس‌های مختلف در ایران، چین و کره شمالی از دهه ۱۹۹۰ آشکار شده است.

بحران‌های متأخر غرب آسیا و شرق دور که بیشترین میزان از مخارج نظامی جهانی آمریکا از حیث کمی و کیفی و منابع انسانی در این مناطق مستقر هستند، بازتاب عینی مداخله‌های جهانی واشینگتن در مسائل نظام جهانی در عرصه سیاسی و ژئوپلیتیکی شمرده می‌شود که در گسترش نیروهای آنروپیک و پراکنده‌ساز سیستمی و بازخوران جهانی آن متغیر تعیین‌کننده ارزیابی می‌شود (Zhu, 2006, pp. 176-177).

۶. پیامدهای ناشی از بحران اکوسیستم در نظام جهانی سرمایه‌داری

بحران‌های سیستمی سرمایه‌داری در نظام جهانی متأخر بازتاب عمیق در سازوکار اکوسیستم طبیعی زمین داشته که بدون درک آثار چرخه تولید، توزیع، مصرف و مبادله در بازتولید سرمایه‌داری قابل درک نخواهد بود. در واقع تغییرهایی که در بحران پیش‌رونده اکوسیستم زمین از اواسط سده بیستم آغاز شده و پیشروی تصاعدی آن در روابط شبکه‌ای جهان از دهه ۱۹۷۰، تمایز ماهیت بحران اخیر در ساخت طبیعی زمین را با تحول‌های اکوسیستم در ادوار پیشین تاریخ تمدن جهانی را آشکار می‌نماید (Nature Journal, 2022, pp. 3-4). مهم‌ترین ملاحظه‌ها از این ناحیه برای کشورهای چون ایران عبارت‌اند از:

الف. توسعه فضای شهری و بروز آسیب در شبکه روابط بازیگران در شهرها: بازتولید روابط سرمایه‌داری با تسخیر فضای جغرافیایی گسترده، رابطه متقابلی را نشان می‌دهد که با امعان‌نظر به توسعه شهرنشینی و الزام‌های آن در زمینه تأمین نیازهای زیرساختی برای بازتولید روابط اجتماعی و اقتصادی و پیامدهای آن در ابعاد بحران‌های زیست‌محیطی و تعریض فضای جغرافیایی ساخت شهری برای دربرگیری جمعیت روبه افزایش متناظر با آن، بازخوران آنتروپیک در اکوسیستم جهانی ایجاد کرده است (Upadhyay & et al., 2020, pp. 20-23).

ب. رواج فرهنگ مصرف‌گرایی و افزایش آلاینده‌ها: الزام‌های ساختاری انباشت بی‌پایان سرمایه برای بازتولید روابط سرمایه‌داری با هدف سودآوری ممتد و مهار گرایش‌های نزولی سودآوری اقتصاد جهانی بر مبنای تقویت نیروهای خنثی‌ساز سیستمی از دهه ۱۹۷۰ با گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی یک رابطه سیستمی ایجاد کرده است. در واقع کالایی‌شدن روابط اقتصادی - اجتماعی زندگی انسان مدرن و ابعاد پیش‌رونده آن در پیوند با انقلاب‌های فناورانه در روند امواج انبساطی کندراتیف در عصر پسا جنگ دوم جهانی، به دنبال توسعه کمی و کیفی زیرساخت‌های صنعتی و توسعه کمی و کیفی در بخش‌های مختلف فرایندهای تولیدی بر مبنای الگوی فوردیسم (Eichengreen, 2007, pp. 257-258) به گسترش انواع آلاینده‌ها در سه شکل پایه ماده و انتشار آن در فضای جهانی اکوسیستم، به تولید بحران‌های نظام‌مند

اقلیمی منتهی شده است.

پ. بهره‌برداری غیراستاندارد از منابع طبیعی: دو پدیده بالا پیوند تنگاتنگی با استخراج مداوم انواع مواد اولیه و خام از طبیعت و جنگل‌زدایی - برای تولید کالاهای مختلف مصنوعی به دلیل گسترش فضایی شهری و احداث مسیرهای مواصلاتی طولانی که مستلزم ایجاد تغییر در موفولوژی طبیعت است - دارد.

پ. تشدید بحران بقا: تولید بخش عمده‌ای از گازهای گلخانه‌ای و انواع مختلفی از پساب‌های صنعتی و آلاینده‌های غیرقابل بازیافت در اقتصادهای کانونی سرمایه‌داری و انتشار آن در فضای طبیعی اکوسیستم زمین، بحران‌های بازگشت‌ناپذیر در مقابل بقاء نوع بشر و گونه‌های مختلف جانداران گیاهی و حیوانی را به دنبال داشته است (World Resources Institute, 2022)، تاجایی که به نقش تعداد معینی از کشورهای کانونی سرمایه‌داری مربوط می‌شود دو کشور آمریکا و چین در ردیف نخست تولیدکننده انواع مختلف آلاینده‌های مبتنی بر ساخت پایه‌ای سه‌گانه ماده بوده‌اند که از دهه ۱۹۷۰ پیشگام این روندهای بحرانی به‌شمار می‌رود. توافق‌های صریح آن‌ها برای کاهش تولید اشکال مختلف آلاینده‌های صنعتی و غیرصنعتی، پیامد سازنده‌ای در راستای کاهش بحران‌های اکوسیستم طبیعی زمین و ایجاد ممانعت در تخریب لایه اوزون نداشته است (کلاین، ۱۳۹۶، صص. ۳۱-۳۰).

ت. تحت تأثیر قرارگرفتن سیاست و اقتصاد ملی: چنین می‌نماید چشم‌انداز بلندمدت در بحران اکوسیستم طبیعی زمین رابطه‌ای پیچیده و چندسویه با سازوکارهای سیاست و اقتصاد نظام جهانی سرمایه‌داری را نشان می‌دهد. این رابطه پیچیده بدون تغییر در الگوهای مدیریت جهانی برخاسته از مبدأ کانونی هژمونیک و الزام‌های اقتصادی و فناورانه متناظر با آن نمی‌تواند در ایجاد انسداد بحران سیستمی زمین مؤثر واقع شود؛ بنابراین کل شاخص‌های بحران‌ساز اکوسیستم طبیعی زمین در بردار بلندمدت زمانی بعد از ۱۹۷۰ نشانگر افزایش تصاعدی و ایجاد تخریب نظام‌مند در ساخت طبیعی زمین است. این شاخص‌های بحران‌ساز بدون بازتولید روابط سرمایه‌داری در مقیاس کلی نظام جهانی و الزام‌های اقتصاد بازار آزاد در تصاحب سود بی‌پایان و کالاسازی و توسعه اقتصاد مبادله‌ای در روابط مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی نمی‌تواند تداوم داشته باشد.

نتیجه‌گیری

تحلیل مؤلفه‌های ساختی نظام جهانی سرمایه‌داری در بردار زمانی بلندمدت ۲۰۲۰-۱۹۷۰ در ابعاد مختلف، شاخص‌های پیچیده بحرانی را نشان می‌دهد. از این منظر روابط سرمایه‌داری در مقیاس بین‌المللی بازتاب یک وضعیت انقباض و فشرده‌گی فراگیر است که در قالب انقباض تولید ناخالص داخلی جهانی نسبت به دوره طلایی سرمایه‌داری، فشرده‌گی سطح عمومی دستمزدها و افزایش بیکاری، تعمیق شکاف طبقاتی و توزیع ناموزن شدید درآمدهای جهانی (افزایش ضریب جینی)، موازنه منفی حاد تجارت بین‌المللی در جهت دولت‌های پیرامونی جملگی در بستر شبکه‌ای شدن سرمایه‌داری کازینویی، اقتصاد جهانی را با یک بحران سیستمی درگیر نموده است. توسعه انباشت مالی - خدماتی و افول انباشت تولیدمحور، فضای بازتولید اقتصاد جهانی را به‌واسطه فروپاشی انباشت مالی و حصار زنجیره حباب‌های بانکی در وضعیت آنتروپیک ممتد قرار داده است. از سوی دیگر آشفتگی روابط عینی و ذهنی فضای سیاسی و ژئوپلیتیکی نشان می‌دهد، نظام جهانی از تعادل، ثبات و پویایی سیستمی خارج شده و تفوق نیروهای پراکنده‌ساز عینی و ذهنی کشمکش‌های پایدار نظامی - امنیتی به‌وجود آورده است. از سوی دیگر منظر سیستم‌های سیاسی در برون‌داد کارکردهای رایج، فرهنگی، حقوق بشر و عدالت محور ناتوان بوده و برآیند این شاخص‌ها در شکاف حوزه‌های عمومی و خصوصی و بازتولید فساد ساختاری و روابط مافیایی سیستمی به‌تکوین بحران مشروعیت ساختاری سرمایه‌داری منتهی شده و سطح کنش جمعی جنبش‌های ضدسیستمی را برای تغییر یا ارائه بدیل‌های کارآمد، عادلانه و تحقق‌پذیر برای سرمایه‌داری و یا بازساخت آن را افزایش داده است. همزمان، نظامی‌شدن تقسیم‌های ژئوپلیتیکی و افزایش مخارج نظامی جهان در عصر پسا شوروی به گسترش برخوردهای نظامی در لایه‌های مختلف نظام جهانی دامن زده است. در این سپهر تکاپوی آمریکا با هدف اقدام به ممانعت یا ایجاد تعلل در افول سیکل سوم هژمونیک و تحقق سیکل چهارم هژمونیک، شدت تحرک و تصادم نیروهای آنتروپیک و پراکنده‌ساز سیاسی و ژئوپلیتیکی نظام جهانی را افزایش داده است. بحران اکوسیستم طبیعی به‌مثابه بازخوانی بی‌واسطه گسترش کمی و کیفی چرخه تولید، توزیع، مصرف و مبادله اقتصاد جهانی سرمایه‌داری و الزام ساختاری انباشت ناکارآمد سرمایه، آثار تخریبی سیستمی و

بازگشت‌ناپذیر در ساخت سیاره برجای گذاشته است. از منظری ایرانی برآیند دیالکتیکی یافته‌های پژوهش حاضر در ساخت پیچیده نظام جهانی سرمایه‌داری نشان می‌دهد که بحران بلندمدت ۲۰۲۰-۱۹۷۰ در کلیت نظام جهانی نهادینه و در اجزا ساختی آن بازتولید شده و خروج سیستم از تعادل ساختاری بلندمدت بازتولید بقای سرمایه‌داری جهانی را با آشفتگی سیستمی مواجه نموده است. لذا در صورت تداوم وضعیت بحرانی موجود، احتمالاً نظام جهانی در دوره متأخر می‌تواند در جهت بازساخت پیچیده ساختاری یا فاز انشعاب برگشت‌ناپذیر سیستمی وارد شود. به کلام دیگر نوسان‌های ماکروسکوپیکی سیستمی در مقیاس جهانی امکان ترمیم و بازتولید سرمایه‌داری در کانون نظام جهانی با محوریت هژمونی آمریکا را مختل نموده و اقدام‌های قدرت هژمون برای کنترل ممتد و بدون رقیب بر نظام جهانی روند نوسان‌های سیستمی را تشدید نموده است؛ بنابراین نظام جهانی در فاز متأخر وارد روند دگردیسی در پیکربندی نظم بین‌المللی مستقر و تغییر احتمالی کارکردهای سرمایه‌داری جهانی در سبک احتمالی چهارم هژمونیک خواهد شد. تسلط اصل عدم قطعیت دانش‌ها و نامعین‌بودگی روندهای ساختاری آتی انتخاب مسیرهای دگردیسی احتمالی را در رابطه پیچیده و چندسویه نامعین نموده است.

یادداشت‌ها

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری دفاع‌شده در تاریخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۵ با عنوان «تجزیه و تحلیل بحران متأخر نظام جهانی سرمایه‌داری و تأثیر آن بر ایران» در گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان است.

2. holonomique

3. hologrammatique

4. holoscopique

5. dissipative structures

۶. این اصطلاح مترادف با دگرگونی انقلابی، نابودی یا فروپاشی نیست. درمقابل دگرگونی‌های کمی و کیفی سیستمی مدنظر است.

7. Full Spectrum Dominance

کتابنامه

- آنائی، ابوالفضل؛ شهرام‌نیا، امیرمسعود؛ امام جمعه‌زاده، سیدجواد و مسعودنیا، حسین (۱۴۰۱). «تجزیه و تحلیل پیچیدگی‌های افول هژمونی آمریکا در نظام جهانی سرمایه‌داری»، نشریه علمی دانش سیاسی. ۱۸(۲)، ۳۳۴-۳۰۷.
- استندینگ، گای (۱۴۰۰). *فساد در نظام سرمایه‌سالار*. ترجمه فرزانه چهری‌بند، تهران: نهادگرا.
- عابدی، محمد؛ شفیعی، نوروز و دهشیری، محمدرضا (۱۴۰۰). «الگوی رفتاری ایالات متحده آمریکا در مدیریت بحران‌های بین‌المللی»، نشریه علمی دانش سیاسی. ۱۷(۱)، ۲۴۲-۲۱۵.
- کلاین، نائومی (۱۳۹۶). *آخرین فرصت تغییر؛ سرمایه‌داری در تقابل با شرایط اقلیمی*. ترجمه مجید امینی، تهران: نشر لاهیتا.
- مشیرزاده، حمیرا و ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۹). *تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مورن، ادگار (۱۳۷۰). *سرمشق گمشده*. ترجمه علی اسدی، تهران: انتشارات سروش.
- مورن، ادگار (۱۳۹۱). *روشن‌شناخت شناخت*. ترجمه علی اسدی، تهران: انتشارات سروش.
- هاروی، دیوید (۱۳۹۴). *هفده تناقض و پایان سرمایه‌داری*. ترجمه خسرو کلانتری و مجید امینی، تهران: نشر کلاغ.

- Albeverio, Sergio; Jentsch, V. & Kantz, Holger (2006). *Extreme events in nature and society*. Springer Publishing, U.S.
- Alvaredo, Facundo & et al. (2018). *World inequality report 2018, World Inequality Lab*, <https://wir2018.wid.world/files/download/wir2018-full-report-english.pdf>
- Amin, Samir & Et Al.(1982). *Dynamics of Global Crisis-Monthly Review Press*. U.S.
- Amin, Samir (2011). *Maldevelopment: Anatomy of a Global Failure*. Pambazuka Press, UK
- Amin, Samir (2019). *The Long Revolution of the Global South toward a New Anti-Imperialist International*. Monthly Review Press, U.S.
- ANGUS, Lan (2016). *Facing the Anthropocene Fossil Capitalism & the Crisis of the Earth System*. U.S.: Monthly Review Press.
- Atikian, Joe (2013). *Industrial Shift: The Structure of the New World Economy*, Palgrave Macmillan, U.S.
- Aziz-Alaoui, M.A. & Bertelle, C.(2009). *From System Complexity to Emergent Properties*. Springer: India
- Babones, Salvatore & Chase-Dunn, Christopher (2012). *Routledge Handbook of World-Systems Analysis*, Routledge, U.S.
- Barker, Colin & et al.(2013). *Marxism and Social Movements*. Brill, Netherland

- Berberoglu, Berch (2012). *Beyond the Global Capitalist Crisis: The World Economy in Transition*. Ashgate Publishing Limited, UK
- Brogliato, Bernard; Lozano, Rogelio; Maschke, Bernhard & Egeland, Olav (2007). *Dissipative Systems*.
- Buhite, Russell D. (1992). *Decisions at Yalta: An Appraisal of Summit Diplomacy*-Rowman & Littlefield Publishers: USA.
- Cesarano, Filippo (2006). *Monetary Theory and Bretton Woods*. Cambridge University Press, U.S.
- Della Porta, Donatella & Tarrow, Sidney (2005). *Transnational Protest and Global Activism*. Rowman & Littlefield Publishers, Inc., U.S.
- Devezas, T.C.(2006). *Kondratieff Waves, Warfare and World Security*. IOS Press, U.S.
- Duménil, Gérard & Lévy, Dominique (2011). *The Crisis of Neoliberalism*. Harvard University Press, U.S.
- Dunn, Bill (2009). *Global Political Economy: A Marxist Critique*. Pluto Press, UK.
- Eichengreen, Barry (2007). *The European Economy since 1945: Coordinated Capitalism and Beyond*. Princeton University Press, U.S.
- El-Ojeili, Chamsy & Hayden, Patrick (2006). *Critical Theories of Globalization*. Palgrave Macmillan, UK.
- Fels, Enrico (2017). *Shifting Power in Asia-Pacific: The Rise of China, Sino-US Competition and Regional Middle Power Allegiance*. Springer International Publishing, Switzerland.
- Fumagalli, Andrea & Mezzadra, Sandro (2010). *Crisis in the Global Economy*. Semiotexte Publishing, U.S.
- Gelder, Sarah Van (2011). *This changes everything: Occupy Wall Street and the 99% movement*. Berrett-Koehler Publishers, U.S.
- Grosfoguel, Ramon & Cervantes-Rodriguez, Ana Margarita (2002). *The Modern Colonial Capitalist World-System in the Twentieth Century: Global Processes, Antisystemic Movements, and the Geopolitics of Knowledge*, Greenwood Publishing, UK
- Harman, Chris (2009). *Zombie Capitalism*. Bookmarks Publications, Britain
- Hartung, William D. (2011). *Prophets of War: Lockheed Martin and the Making of the Military-Industrial Complex*. Nation Books (EPUB), U.S.
- Hawking, Stephen W. & Penrose, Roger (1996). *The Nature of Space and Time*. Princeton University Press, U.S.
- Hopkins, Terens & Wallerstein, Immanuel & et.al. (1982). *World-System Analysis: Theory & Methodology*. London: Sage Pub.
- International Labour Organization (2013). *Conditions of work and employment series*; No.35, (web pdf), ILO Cataloguing in Publication Data
- Kiely, Ray (2005). *The Clash of Globalisations: Neo-Liberalism, The Third Way And Anti-Globalisation*-Brill Publishing.
- Klir, George J. (2001). *Facets of systems science*. Springer Publishing, U.S.A.
- Lapavistas, Costas(2011). *Theorizing financialization*. Sage Publication, 25(4), 611–626, UK.
- Lauk, Tillmann C. (2014). *The Triple Crisis of Western Capitalism: Democracy, Banking and Currency*, Palgrave Macmillan, UK.
- Li, Minqi (2020). *Profit, accumulation and crisis in capitalism: long-term trends in the UK, US, Japan and China, 1855-2018*, Routledge, UK.

- Liodakis, George (2012). *Crisis, the emerging new stage of capitalism and the need of a transnational class strategy for social emancipation*. Routledge: International Critical Thought 2(1), 7–22, UK
- Marek, Milos & Schreiber, Igor (1991). *Chaotic behaviour of deterministic dissipative systems*. Cambridge University Press.
- Marshall, Michael (1987). *Long Waves of Regional Development*. Macmillan Education, UK.
- Mearsheimer, John J. (2018). *The Great Delusion: Liberal Dreams and International Realities*. Yale University Press (EPUB), U.S.
- Mészáros, István (2008). *The Challenge and Burden of Historical Time*. Monthly Review Press, U.S.
- Moghadam, Valentine M. (2009). *Globalization and social movements: Islamism, feminism and global justice movement*. Rowman & Littlefield Publishers, U.S.
- Moore, Jason W. & et al. (2016.). *Anthropocene or Capitalocene: Nature, History and the Crisis of Capitalism*, PM Press.
- Motta, Sara C. & Nilsen, Alf Gunvald (2011). *Social Movements in the Global South*. Palgrave Macmillan, UK.
- Nature Journal (2022). *Deforestation-induced climate change reduces carbon storage in remaining tropical forests*. <https://www.nature.com/articles/s41467-022-29601-0.pdf>.
- Ortiz, Isabel; Burke, Sara & et al. (2022). *World Protests: A Study of Key Protest Issues in the 21st Century*. Palgrave Macmillan, UK.
- Panayotakis, Costas (2021). *The capitalist mode of destruction: Austerity, ecological crisis and the hollowing out of democracy*. Manchester University Press, UK.
- Piketty, Thomas (2020). *Capital and Ideology, Translated by Arthur Goldhammer*. The Belknap Press of Harvard University Press, U.S.A & England.
- Pintak, Lawrence (2003). *Seeds of Hate: How America's Flawed Middle East Policy Ignited the Jihad*. Pluto Press, UK.
- Plokhy, S. M. (2010). *Yalta: the price of peace*. Penguin Publishing Group: UK.
- Pradella, Lucia & Marois, Thomas (2015). *Polarizing Development: Alternatives to Neoliberalism and the Crisis*. Pluto Press, UK.
- Prigogine, Ilya (2003). *Is Future Given?*, World Scientific Publishing. London, UK.
- Robinson, William I. (2014). *Global Capitalism and the Crisis of Humanity*. Cambridge University Press, U.S.
- Schneider, Steffen; Schmidtke, Henning; Haunss, Sebastian & Gronau, Jennifer (2017).
- Sinn, Hans-Werner (2010). *Casino Capitalism: How the Financial Crisis Came About and What Needs to be Done Now*. Oxford University Press, Oxford.
- SIPRI (2022). *Trends in World Military Expenditure 2021*, https://www.sipri.org/sites/default/files/2022-04/fs_2204_milex_2021_0.pdf.
- Sutter, Robert G. (2018). *US-China Relations: Perilous Past, Uncertain Present*. Rowman & Littlefield Press, UK.
- Taft, Chloe E. (2016). *From Steel to Slots: Casino Capitalism in the Postindustrial City*. Harvard University Press, U.S.
- Upadhyay, Atul Kumar & et al. (2020). *Restoration of Wetland Ecosystem: A*

- Trajectory towards a Sustainable Environment*. Springer, Singapore.
- Wallerstein, Immanuel (1991). *The Capitalist World-Economy*. Cambridge University Press, U.S.
- Westra, Richard; Dennis, Badeen & Albritton, Robert (2015). *The Future of Capitalism after the Financial Crisis: The Varieties of Capitalism Debate in the Age of Austerity*. Routledge, U.S.
- World Bank (2022a). *GDP growth (annual%) World*, <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.KD.ZG?locations=1W>
- World Bank (2022b). *Unemployment, total (% of total labor force)*, <https://data.worldbank.org/indicator/SL.UEM.TOTL.ZS>.
- World Resources Institute (2022). *Countries Produce Global Greenhouse Gas Emissions*, <https://www.wri.org/insights/4-charts-explain-greenhouse-gas-emissions-countries-and-sectors>.
- World Trade Organization (2013). *Trends in international trade*, https://www.wto.org/english/res_e/booksp_e/anrep_e/world_trade_report11_e.pdf.
- Zhu, Zhiqun (2006). *US-China In The 21 Century: Power Transition And Peace*. Routledge, U.S.

